

## "حزب کمونیست کارگری یا حزب کارگران کمونیست" یا

### "حزب پیشتاز انقلابی"؟

(چند نکته در باره مقاله "حزب به زبان ساده"، نوشته رفیق یدالله، مندرج در "کارگر تبعیدی"، شماره ۱۸ دیماه ۱۳۷۱)

در مقاله "حزب به زبان ساده"، رفیق یدالله از دو نوع حزب نام می برد: اول "حزب کمونیست کارگری" که متشکل از عده ای "روشنفکران انقلابی و کمونیست" است که کلمه "کارگری را هم بدنبال دارد". و هدف آن، انقلاب و سرنگونی رژیم بورژوازی با استفاده از نیروی کارگران و جایگزین کردن خود تحت عنوان "دیکتاتوری پرولتاریا"، برای دستور دادن و یا حکومت بر کارگران است. دوم، "حزب کارگران کمونیست" است که متشکل از "گروهی کارگر معتقد به سوسالیزم" است، و هدف آن "به قدرت رساندن خود کارگران" و ایجاد "دولت و حکومت شورائی" است. به عبارت دیگر: "در حزب اول روشنفکران انقلابی مسئولیت کارها را به عهده دارند و تقدم با آنهاست و کارگران مجری دستورات و نظرات آنها خواهند بود" و "حزب دوم متعلق به کارگران.... است که در تولید و توزیع نقش مستقیم دارند و تقدم در دومی با کارگران است".

رفیق یدالله سپس کارگران را در مقابل این دو نوع حزب قرار می دهد و از آنان سوال می کند که "کدامیک را انتخاب خواهند کرد"؟ واضح است که در مقابل این سوال روشن کمتر کارگری پیدا خواهد شد که حزب اول را انتخاب کند. اما، مساله بر سر این است که در مقابل کارگران پیشرو- بنابر تجارب تاریخی جنبش کارگری در

سطح جهانی- دو نوع حزب قرار ندارد، بلکه سه نوع حزب قرار دارد. سومی هم "حزب پیشتاز انقلابی" است در مورد این سه نوع حزب بیشتر توضیح می دهیم.

## ۱- در مورد "حزب کمونیست کارگری"

در ابتدا باید روشن شود که منظور رفیق یدالله از این واژه دقیقاً چیست. آیا منظور "حزب کمونیست کارگری" بطور اخص است و یا "حزب کمونیست کارگری" بطور اعم؟

اگر منظور "حزب کمونیست کارگری" موجود است، همانی که چندی پیش از "حزب کمونیست ایران" منشعب شده است، که در اینصورت تعریف از این حزب نادرست است. چرا که این جریان نه "حزب" است و نه "کمونیست" و نه "کارگری" (علیرغم نامی که بر خود گذاشته است). "حزب" نیست چونکه "حزب" سنتاً يك تشکیلات توده ای نامیده می شود (بنابر گفته خودشان، اینها عده ای در حدود ۵۰ نفر در خارج هستند که از حزب سابق انشعاب کرده اند). يك گروه کوچک از روشنفکران (هر چند هم انقلاب باشند) حزب نمی شود (البته هر جریانی حق دارد هر نامی که بخواهد بر خود بگذارد). "کمونیست" نیستند، زیرا که يك عده کمونیست توسط برنامه انقلابی و عمل خود، این نام را کسب می کنند (آن هم با اعتبار و حمایت طبقه کارگر). برنامه این عده يك برنامه رفرمیستی (پذیرش انقلاب دمکراتیک) و عملشان در جنبش یا فرصت طلبانه بوده و یا فرقه گرایانه. و نه "کارگری" هستند چونکه از اعتبار و حمایت حداقل پیشروی کارگری برخوردار نیستند و جهت گیری کارگری هم ندارند (غیر از یکسری شعارهای عمومی بی محتوا). این عده در واقع، يك گروه "خرده بورژوا رادیکال" هستند، "خرده بورژوا" در ترکیب و جهت گیری سیاسی، "رادیکال" در برخی از فعالیت های عملی ای که انجام می دهند. این گروه، اگر در ایران به قدرت برسد همانند گروه ساندنیست ها در نیکاراگونه خواهد بود که

دست آخر با بورژوازی به توافق خواهد رسید (صرفنظر از خط "رادیکال" و مبارزه "ضدامپریالیستی" اش).

اگر منظور "حزب کمونیست" بطور اعم است (کلمه "کارگری" چه آخر جمله و چه وسط جمله باشد، در این محتوا تفاوت کیفی ای ندارد)، که در اینصورت با تعریف و مشخصاتی که رفیق یدالله از يك حزب کمونیستی کارگری می دهد، مغایرت دارد. تعریف و مشخصاتی که رفیق یدالله بدرستی نقد می کند متعلق به حزب کارگری کمونیست واقعی نیست. بلکه مشخصات حزب های منحط "کمونیست" است. این حزب ها علیرغم اینکه بخود لقب "کمونیست" دادند، در واقع خائنین به کمونیزم بودند. حزب های کمونیست شوروی و طرفداران سیاست خارجی شوروی (پس از سال ۱۹۲۳) و چین و غیره همه علیه کارگران کشورهای خود و جهان با سرمایه داران وارد معامله شدند. این حزب های "کمونیست" خود را جایگزین طبقه کارگر کردند و شوراهای کارگری را از بین بردند. این "کمونیست" های قلابی نهایتاً با امپریالیزم سازش کردند و سرمایه داری و استثمار کارگران را یا نقداً بازگردانیده اند و یا در شرف انجام اینکار هستند. این حزب ها را می توان حزب های "استالینیستی" خواند، زیرا که از لحاظ برنامه و سیاست ربطی به مارکسیزم و سوسیالیزم نداشته و متعلق به دوره انحطاط در مارکسیزم/لنینیزم بوده اند. حزب های کمونیستی واقعی نیز در تاریخ جنبش کارگری وجود داشته اند که شوراهای کارگری در آنان نقش تعیین کننده داشته اند. این دو را یکی شمردن، خلاف تاریخ جنبش کارگری است. و ایجاد ابهام می کند.

## ۲- در مورد "حزب کارگران کمونیست"

با تمامی تعریفی که رفیق یدالله در باره عملکرد و تکالیف "حزب کارگران کمونیست" در مقاله خود ارائه داد، بطور کلی توافق دارم. اما این چنین حزبی را

نمی توان صرفاً حزب "گروهی کارگر مسلط به ایدئولوژی مارکس و معتقد به سوسیالیزم" نامید.

در جامعه سرمایه داری بطورکلی دو طبقه متخاصم وجود دارند: سرمایه دار و کارگر، سرمایه داران در حکومت هستند و ابزار سرکوب و تبلیغات علیه طبقه کارگر را در دست دارند. سرمایه داران حزب و تشکیلات خود را دارند. طبقه سرمایه دار، اقتصاددانان، فلاسفه و روشنفکران مدافع نظام خود را در خدمت دارد. طبقه کارگر هم برای جایگزین کردن دولت سرمایه داری باید ابزار کار و تشکیلات خود را داشته باشد، و این تشکیلات الزماً از يك "گروه کارگر سوسیالیست" بوجود نمی آید (حداقل در ابتدا چنین اتفاق نمی افتد). کارگران پیشرو به "روشنفکران انقلابی" (که عمدتاً از سابقه طبقه های مرفه تر و غیرکارگر جامعه هستند) نیاز دارند. اینان انقلابیون حرفه ای هستند که از موقعیت طبقاتی خاص خود برش می کنند و خود را در عمل، در اختیار طبقه کارگر و انقلاب کارگری قرار می دهند. اما این عده باید حق و جایگاه خود را در عمل از پیشروی کارگری کسب کنند (و نه آنکه خود اعلام کنند که "روشنفکر انقلابی" و "رهبر" جنبش کارگری هستند. مانند آنچه "حزب کمونیست کارگری" انجام می دهد). "رهبران" واقعی کارگران- حتی اگر از سابقه غیرکارگری باشند- توسط خود آنان آزمایش و انتخاب شده و احیانا عزل می گردند. طبقه کارگر به آقابالاسر نیازی ندارد.

"حزب کارگران کمونیست"، برای انجام تکالیفی که رفیق یدالله اشاره می کند، باید "روشنفکران انقلابی" خود را یافته و در درون خود جای دهد. در غیراینصورت تجارب نظری/تئوریک و تاریخی در سطح ملی و بین المللی آتپوری که باید و شاید به این حزب متشکل "از گروهی کارگر سوسیالیست" انتقال نمی یابد.

از سوی دیگر، باید تاکید شود که حزب پیشروی کارگری- همانطور که از نام آن پیدا است- باید ترکیب کارگری آن غالب باشد. حزب هایی که صرفاً از يك عده "روشنفکران انقلابی" تشکیل می شوند، بدون جذب کارگران پیشرو و مداخله مستقیم

در جنبش کارگری، سریعاً رو به انحطاط می گذارند (حتی اگر انقلابی ترین برنامه ها را نیز داشته باشند).

### ۳- در مورد حزب پیشتاز انقلابی

مساله بر سر نام گذاری حزب کارگری انقلابی آتی ایران در اینجا نیست. اگر با محتوای بحث توافق باشد می توان سر نام آن نیز به توافق رسید. اما در عین حال باید از دو اشتباه در تبلیغ مساله "حزب" پرهیز کرد. یکی معرفی حزب های "استالینیستی" به عنوان حزب های "کمونیست" و یا "کارگری" که در واقع چیزی نیستند جز گروه های خرده بورژوا که قصد تحمیل خود بر جنبش کارگری را دارند. و یکی دیگر- در واکنش به این حزب ها- تبلیغ گروه های صرفاً کارگری (مانند تشکیلاتی نظیر سندیکا و نهادهای مشابه)، با اعضای صرفاً "کارگر سوسیالیست" به حزب پیشروی کارگری.

برای تعریف و نام گذاری حزب پیشروی کارگری باید تاکید کرد که، اولاً "حزب" طبقه کارگر نهایتاً برای تدارک سرنگونی رژیم سرمایه داری ضروری و واجب است. ثانیاً این حزب، ترکیبی است از پیشروی کارگری (که نقش تعیین کننده را ایفا می کند) و پیشگام انقلابی ("روشنفکران انقلابی" که توسط پیشروی کارگری آزمایش و پذیرفته شده اند). بهترین نامی هم که به چنین حزبی می توان داد، همانا "حزب پیشتاز انقلابی" است. کلمه "پیشتاز" در واقع در برگزیده پیشروی کارگری و پیشگام انقلابی است. این حزب پیشروی کارگری است که از بخش خاصی از طبقه کارگر (و نه کل، یا اکثریت طبقه) تشکیل یافته است. حزب کل طبقه کارگر، در وضعیت اعتلای انقلابی در دوران پیشا انقلابی توسط و از درون حزب پیشتاز انقلابی بوجود خواهد آمد. حزب پیشروی کارگری شامل پیشروترین عناصر کارگری که به برنامه انقلابی و لزوم انقلاب کارگری/ سوسیالیستی رسیده اند و بر اساس يك ساختار تشکیلاتی دمکراتیک (بر مبنای مفهوم دمکراسی کارگری) جمع شده اند، شکل می گیرد. این حزب دارای "برنامه عمل کارگران" است که بطور روزمره در جنبش

کارگری آزمایش شده و سپس صیقل داده می شود. این حزب، پس از دوره ای از فعالیت و مبارزه، اعتماد اکثریت طبقه کارگر را به خود جلب کرده و از این طریق زمینه را برای تسخیر قدرت آماده می کند.

این حزب یگشبه در دوره انقلاب بوجود نمی آید. پیشروی کارگری در اتحاد با پیشگام انقلابی (با هم)، می باید از هم اکنون برای ساختن چنین تشکیلاتی آگاهانه و با جدیت کوشش کنند. گام اولیه نیز- با توجه به وضعیت کنونی جنبش کارگری در ایران و خارج- در ایجاد "هسته های کارگری سوسیالیستی" بر محور برنامه و اهداف و اصول انقلابی و حول يك نشریه کارگری سوسیالیستی است.

۶ فوریه ۱۹۹۳ - لندن